



جنگ روانی از منظر قرآن و سیره نبوی

پدیدآورنده (ها): فراهانی، حسن

ادیان، مذاهب و عرفان :: نشریه معرفت :: آذر ۱۳۸۰ - شماره ۴۸ (ISC)

صفحات: از ۹۵ تا ۱۰۳

آدرس ثابت: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/12511>

تاریخ دانلود: ۱۴۰۲/۰۷/۲۵

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- جنگ روانی در عصر علوی علیه السلام
- بازشناسی الگوهای جنگ روانی در نبردهای پیامبر اسلام
- جستاری در استراتژی جنگ روانی پیامبر اسلام (ص)
- جنگ روانی یهود علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)
- پژوهشی در خصوص جایگاه جنگ روانی در اسلام
- استراتژی غیر مستقیم و جنگ روانی
- جنگ روانی
- ضد یهودیت
- تبیین نقش راهبردی فرهنگ در زمینه سازی ظهور
- چشم انداز تربیت اجتماعی زنان در فرهنگ مهدویت
- روش شناسی تفسیر تربیتی قرآن
- تحلیلی جامعه شناختی از بحران های اجتماعی- سیاسی حکومت علوی

عناوین مشابه

- مؤلفه‌های تهدید نرم فرهنگی از منظر قرآن کریم و سیره نبوی مبتنی بر بُعد تخریب شخصیت و الگوهای دینی
- سلامت و بهداشت روانی از منظر قرآن کریم
- ساختن حرم و بارگاه از منظر قرآن کریم، سنت و سیره مسلمانان
- بهداشت روانی اخلاقی در اجتماع از منظر قرآن و حدیث
- پویائی و شکوفایی جهان در سایه سار بهداشت روانی اعتقادی از منظر قرآن و حدیث
- شناسایی مولفه‌های تهدید نرم فرهنگی از دیدگاه قرآن کریم و سیره نبوی بر پایه «فتنه و فساد در مبانی دینی و برنامه‌های آئینی»
- تحلیل آثار و پیامدهای معنوی، روانی، جسمانی و اجتماعی گناه بر سلامت جسم و روح از منظر قرآن و روایات
- اخلاق اجتماعی از منظر امام رضا (ع) و سیره نبوی
- مبادی و مبانی نهضت خدمت رسانی به مردم از منظر قرآن کریم و سیره معصومین (علیه السلام)
- نقش تسلیم در تأمین امنیت روانی فردی و اجتماعی از منظر قرآن کریم

جنگ روانی

از منظر قرآن و سیره نبوی

سیرت نبوی

که نبرد همه جانبه در تمام جبهه‌ها جریان داشت، «جنگ روانی» نیز با شدت مورد استفاده قرار می‌گرفت. جنگ‌های مسلحانه نتیجه عوامل نظامی، اقتصادی و روانی است و به همین دلیل به «نبرد همه جانبه» تعبیر می‌شود. (۵)

قرآن کریم به مسلمانان مأموریت داده است تا کلیه نیروها و امکاناتی را که می‌توان در راه جنگ و دفاع و رسیدن به قدرتی بازدارنده به خدمت درآورد، فراهم کنند؛ «و شما بر (مقابله) با آن‌ها، هر چه در توان دارید، از آلات جنگی و اسبان تازه نفس و آماده، برای تهدید و ترساندن دشمنان خدا و دشمنان خودتان فراهم آورید. و بر دیگران که شما بر دشمنی آنان مطلع نیستید و خدا به آن‌ها آگاه است نیز مهتبا باشید و...» (انفال ۶۰: ۸)

مرحوم طبرسی در این باره می‌نویسد: «اطلاق آیه "من قوه" شامل انواع سلاح‌ها، افراد آموزش دیده، تأسیسات و آموزشگاه‌های نظامی، استحکامات، وحدت

مقابل را تحت تأثیر قرار داده، به تسلیم وادارد؛ بخشی دیگر از آیات نیز در زمانی که مسلمانان احساس ضعف و شکست می‌کنند، در صدد تقویت روحیه آنان است.

با مطالعه سنت نیز می‌توان روایات متعددی را در این زمینه ذکر کرد. از مهم‌ترین روایات در این باب، روایاتی است که حاکی از جواز به کاربردن خدعه در جنگ است: «الحرب خدعة» (۲) جنگ روانی از مصادیق بارز «خدعه» به معنای «مکر، حيله و فریب» است. (۳)

در فقه اسلامی، خدعه در جنگ جایز است. علامه حلی رحمته الله علیه در کتاب‌های تذکره و منتهی بر این مطلب، ادعای اجماع نموده است. (۴) روایاتی که علمای اسلام برای جواز خدعه در جنگ بدان استدلال نموده‌اند، گویای جواز جنگ روانی است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با نقشی همه جانبه، که در جنگ‌ها به کار گرفته بود، دگرگونی بزرگی در آیین نبردهای جدید به وجود آورد. وی جنگ را به تمام جبهه‌ها کشاند و از هر سلاحی که می‌توانست بهره گرفت؛ هم‌چنان

تاریخ جنگ روانی از تاریخ حیات بشر جدا نیست، اما همیشه با این عنوان به کار گرفته نشده است و مانند سایر مفاهیم، در بستر تاریخ و همراه با مقتضیات زمان و مکان، متحول بوده و سیر تطور خود را تا به امروز پیموده است، به گونه‌ای که در عصر حاضر، با استفاده از فن‌آوری، بر پیچیدگی آن افزوده شده است.

در تعریف جنگ روانی، آمده است: «استفاده طراحان شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن برای نفوذ در خصوصیات فکری دشمن، با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی شود» (۱)

در قرآن کریم، آیات زیادی وجود دارد که بیش‌تر آن‌ها ناظر به جنگ‌های صدر اسلام در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد. بخشی از این آیات در مقام پاسخ‌گویی به جنگ روانی دشمن بوده و در صدد است که آن‌ها را خنثی کند، بخش دیگری از آیات، که جنبه تعززی دارد، می‌خواهد روحیه طرف



صفوف و نیروها، تلاش و تکاپوی ملی، رشد و قدرت و استقلال اقتصادی، موضع برتر سیاسی، استحکام باورهای ایدئولوژیک و بالاخره، هر آنچه از پشتوانه مادی و معنوی که می‌توان به خدمت جنگ درآورد، می‌گردد.» (۶)

با توجه به گستره بحث «جنگ روانی در قرآن و سیره نبوی»، از میان ابزارها و مکانیسم‌های جنگ روانی، در این نوشتار، فقط موضوع «شایعه» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تعریف شایعه

آنچه عموماً «شایعه» نامیده می‌شود، عبارت از شرح، پیش‌بینی و توصیف رخدادهایی است که غالباً در قالب غیررسمی و تأیید نشده توسط منابع مسؤول شکل می‌گیرد، ولی با این وجود، از سوی بخش عظیمی از توده‌ها به طور جذبی مورد قبول قرار می‌گیرد. در مطالعه «شایعه» با دو تصور مختلف مواجه هستیم. برخی آن را یک پیام می‌دانند که از فردی به فرد دیگر انتقال می‌یابد، با این ملاحظه که فرد آغازین زنجیره انتقال، یک شاهد عینی است که گزارش او با حقیقت مطابق بوده و تحریف‌ها در فرایند انتقال صورت می‌گیرد. عنصر اساسی و تحلیل، همان گزارش، و مسأله اصلی آن، بیان علت انتقال است. از آن‌جا که حالت طبیعی ارتباطات، یک هنجار درست فرض می‌شود، شایعه، یک حالت مرضی و نابهنجار به حساب می‌آید. برخی دیگر شایعه را ترسیم و نمایش مختصر یک واقعه تصور می‌کنند که در تعامل مردمی که درگیر حادثه‌اند، به طور فشرده بیان می‌شود. در این دیدگاه، عنصر تحلیل، موقعیت و شرایط است و مسأله اصلی معلوم کردن این نکته است که آن موضوع چگونه تفسیر می‌شود. (۷)

آپورت و پستمن در کتاب روان‌شناسی شایعه، «شایعه» را چنین تعریف می‌کنند: «شایعه اصطلاحی است که به یک اندیشهٔ اقمی معین و ارائه شده اطلاق می‌گردد تا شنونده بدان باور یابد. شاید معمولاً از فردی به فرد دیگر، از طریق

کلمات شفاهی انتقال می‌یابد، بی آن‌که نیاز به دلیل و مدرکی داشته باشد.» (۸)

در تعریف دیگری آمده است: «شایعه، ترویج خبری ساختگی است و واقعیت ندارد و بر پایهٔ بزرگ‌نمایی، رعب‌آفرینی و یا تحریف استوار است، در بیان چنین خبری،

از روی نادانی است و جز از روی خرص سخن نمی‌گویند.» (زخرف: ۲۰) در آیهٔ دیگری می‌فرماید: «مرگ بر خراصون؛ آنان که به غفلت در جهل فرو مانده‌اند.» (ذاریات: ۱۰-۱۱)

از این آیات برمی‌آید که عنصر اساسی



خرص، ظن و گمان و زمینهٔ مشوب به ناآگاهی است و خرص لزوماً خلاف واقع نیست، از این‌رو، تفسیر خرص به «کذب» درست به نظر می‌رسد.

کلمهٔ «تَقَوْلُ»، که با لفظ «علیه» متعدی می‌شود، به معنای نسبت دادن چیزی به کسی است، بدون هیچ‌گونه استناد و دلیل. قرآن کریم می‌فرماید: «وَ اِذَا كُنَّ اَسْحَابًا لَمْ يَذْكُرُوهُنَّ اِلَّا ظَنُّنَّ اَنْ يَكُنَّ لَمْ يَكُنَّ» (الحاقه: ۴۴) این واژه‌ها نیز عبارت از بافتن سخنان و مطالبی است که به تأیید نرسیده.

واژهٔ «اِخْتِلَاقٌ» نیز معنای لفظ پیشین را دارد، در قرآن کریم آمده است: «مَا دَرَأَ اَخْرَجَ اَثْرَهُنَّ، جَنِّينَ سَخْنِي نَشْنِيهِ اِيْمٍ وَاِيْنِ جِزْ بَاقْتَهُ وَاِيْمٍ نَرَسِيْدَهُ» (ص: ۷)

کلماتی نیز به فرایند شایعه‌پراکنی و بعضاً به اهداف آن اشاره دارد؛ از آن جمله است: شیوع، اذاعه و ارجاف. «شیوع» و «اشاعه» به معنای پراکندن، گسترش و انتشار آمده است. از این‌رو، می‌گویند: شَاعَ الْحَدِيثُ وَ الثَّسْرُ وَاِشَاعَةُ صَاحِبِهِ وَ رَجُلٌ مَشِيْعٌ (۱۱) در قرآن کریم، در بیان ماجرای «افک» آمده است: «بِرَّاءِ كِسَائِي كِه دُوسْت دَارَنْدِ دِرْبَارَهُ مُؤْمَنْ تِهْمَتِ زَنَّا شَايِعِ شُودِ، دُنْيَا وَ اٰخِرَتِ، عَذَابِي دِرْدَاوَرِ مِهْيَاسْت.» (نور: ۱۹)

واژهٔ «اذاعه و ذبوع» به معنای ظهور و

جنبهٔ کهرنگی از حقیقت و یا تفسیری خلاف واقع از خبری صحیح گنجانده شده است، هدف از پخش چنین خبری، تأثیر نهادن بر افکار عمومی، ملی، جهانی و یا نوعی دستیابی به اهداف سیاسی، نظامی و یا اقتصادی در قلمرو یک کشور یا جهان است.» (۹)

شایعه می‌تواند در زمینه‌های گوناگونی مانند جنگ، شورش‌ها و هیجانات، حوادث ناگوار، افزایش قیمت‌ها، روابط سیاسی و مسائل اقتصادی بروز نماید و از آن‌جا که دارای زمینه‌ها و موضوع‌های خاصی است، توجه بدان موقتی است؛ در شرایط مساعد، ظهور می‌کند و با فقدان شرایط از بین می‌رود. شایعه لزوماً ساختهٔ ذهن و خیال، دور از واقعیت و یا دروغ محض نیست، بلکه می‌تواند در شکل‌گیری و انتشار، بعد کهرنگی از حقیقت را در خود داشته باشد.

در زبان قرآن، واژه‌هایی که به نوعی می‌توانند مفهوم شایعه (اخباری که صحت و سقم آن به تأیید نرسیده است) را افاده کند، به چشم می‌خورد. «خِصْرُ»، «تَقْوَلُ» و «اِخْتِلَاقٌ» از این نمونه‌ها هستند. «خِصْرُ»، گفتاری است بر اساس ظن و تخمین ساخته و پرداخته شود، خواه با واقعیت مطابق باشد یا خیر. (۱۰)

قرآن کریم می‌فرماید: «اَنْجَحَ مِيْ كُوَيْدِ

انتشار است. گویند: «رجل مذیاع»؛ یعنی کسی که راز را افشا می‌کند و جمع آن «مذایع» است. (۱۲) حضرت علی علیه السلام در وصف مؤمنان راه یافته می‌فرماید: «نه مفسده‌جو هستند و نه فتنه‌انگیز، نه در پی اظهار و اشاعه (فحشا) هستند و نه مردمی

بأفواهکم» عطف بر جمله گذشته است و در حقیقت، تفسیر آن محسوب می‌شود. (۱۴) بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که «شایعه» خبری است که زبان به زبان می‌گردد و بدون هیچ‌گونه تفحص و تحقیق و حصول یقین از صحت یا سقم آن، به صورت

شایعه می‌تواند در زمینه‌های گوناگونی مانند جنگ، شورش‌ها و هیجانات، حوادث ناگوار، افزایش قیمت‌ها، روابط سیاسی و مسائل اقتصادی بروز نماید و از آن‌جا که دارای زمینه‌ها و موضوع‌های خاصی است، توجه بدان موقتی است؛ در شرایط مساعد، ظهور می‌کند و با فقدان شرایط از بین می‌رود.

سفیه و لغوگو. (۱۳) لفظ «اذاعه» علاوه بر معنای «انتشار و پراکندن»، بر «اظهار» نیز دلالت دارد. قرآن کریم می‌فرماید: «و چون خبری، چه ایمنی و چه ترس، به آن‌ها برسد، آن را در همه جا اظهار می‌کنند.» (نساء: ۸۳)

واژه «ارجاف» نیز - چنان‌که پیش از این گفته شد - به معنای اشاعه باطل و اخبار دلهره‌آور و نگران‌کننده است. این کلمه در اصل به معنای اضطراب است، به این دلیل، به دریا «رجاف» گویند؛ زیرا در لرزش و جنبش است. «ارجاف مردم به چیزی» به معنای پخش اخباری است که موجب پریشانی و سراسیمگی شود. بنابراین، واژه ارجاف به هدف شایعه‌پراکنی نیز اشاره دارد. قرآن کریم در سوره نوره، نحوه انتقال و انتشار شایعه را (در حدیث افک) چنین تشریح می‌کند: «آن‌گاه که سخن را از دهان یکدیگر می‌گرفتید و چیزی بر زبان می‌راندید که درباره آن هیچ نمی‌دانستید، می‌پنداشتید که کاری خرد و آسان است و حال آن‌که نزد خدا کاری بزرگ بود.» (نور: ۱۵)

«تلقى» گرفتن سخنی است که دیگری گفته و تقیید آن به «السنه» برای دلالت بر آن است که خبر مزبور بدون تحقیق و تدبیر، زبان به زبان می‌گردد. جمله «و تَقُولُونَ

شکاهی میان افراد انتشار می‌یابد و اگرچه به نظر خرد و آسان می‌آید، ولی می‌تواند پیامدهای گران و زیان‌باری برای جامعه داشته باشد.

پیشینه شایعه در اسلام

در تاریخ اسلام نیز آن‌جا که ابهام و اهمیت رخدادی قطعی بوده، شایعات رواج و قوت می‌گرفت. چون جنگ بدر یا پیروزی مسلمانان خاتمه یافت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، زید بن حارثه و عبدالله بن رواحه را از ائیل به مدینه فرستاد تا این خبر را به مردم برسانند. آن‌ها روز یکشنبه و در نيمروز به مدینه رسیدند و در دژه عمیق از هم جدا شدند. عبدالله در محله بالای مدینه و زید در محله پایین به خانه انصار سر می‌زدند و می‌گفتند: ای گروه انصار، شما را مژده باد به سلامت رسول خدا و کشته و اسیر شدن مشرکان! عتبه و شیبه و پسران ربیعہ و دو پسر حجاج، ابو جهل، ابوالبختری، زمعه بن اسود و امیه بن خلف کشته شدند و سهیل بن عمرو و گروه زیادی به اسارت درآمدند! بچه‌ها از پی عبدالله بن رواحه حرکت می‌کردند و فریاد می‌کشیدند: «ابو جهل بدکار کشته شد».

زید نیز چون به مصلی رسید، پیام را ابلاغ کرد. مردم حرف زید را باور نمی‌کردند و

می‌گفتند زید گریخته است. این حرف مسلمانان را به خشم آورد و ترسیدند. مردی از منافقان به اسامه بن زید گفت: پیامبر شما و همراهانش کشته شده‌اند. مرد دیگری از منافقان به ابوالباب گفت: یاران شما چنان پراکنده شده‌اند که هرگز جمع نخواهند شد. بیش‌تر اصحاب محمد صلی الله علیه و آله و خود او کشته شده‌اند. نشانه قتل محمد، شتر اوست که زید بر آن سوار است و آن را می‌شناسیم، زید هم گریخته است و از ترس نمی‌فهمد که چه می‌گوید.

اسامه پسر زید می‌گوید: نزد پدر آمده پرسیدم: این‌که می‌گویی راست است؟ زید گفت: آری، به خدا راست است، پسرکم! از این‌رو، اسامه نزد آن متافق برگشت و گفت: تو از کسانی هستی که نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان شایعه‌پراکنی می‌کنند. چون رسول خدا بیاید، گردنت را خواهد زد. متافق گفت: این چیزی بود که من از مردم شنیده بودم. (۱۵)

در ماجرای مذاکرات صلح حدیبیه، پیامبر صلی الله علیه و آله نیز متقابلاً نمایندگانی به سوی قریش فرستاد تا هدف آن حضرت را که زیارت خانه خدا بود، بی‌پرده به سران شرک ابلاغ کنند. نخست خراش بن امیه خزاعی مأمور ابلاغ پیام گردید، اما آنان شتر او را بی‌کردند و نزدیک بود او را را بکشند که با وساطت خویشان او، نجات یافت. بدین‌روی، پیامبر صلی الله علیه و آله، که جداً می‌خواستند مشکل را از راه مذاکره و دگرگون ساختن افکار سران قریش حل کنند، برای بار دوم تصمیم گرفتند کسی را به نمایندگی اعزام کنند که دست او به خون قریش آلوده نباشد. این مأموریت متوجه عمر بن خطاب شد، اما او به دلایل و بهانه‌هایی از این کار امتناع ورزید و پیشنهاد کرد که عثمان بن عفان این کار را بر عهده گیرد. از این‌رو، عثمان راهی مکه شد و در پناه ابان بن سعید بن عاص وارد شهر گردید. قریش به عثمان اجازه طواف کعبه دادند. اما از بازگشت عثمان جلوگیری کردند تا شاید در این مدت، راه حلی پیدا کنند. بر اثر تأخیر نماینده پیامبر، هیجان و اضطراب عجیبی در میان مسلمانان پدید آمد و شایعه قتل

عثمان به شدت در میان طرفین در منطقه رواج یافت و منجر به موضع‌گیری نظامی پیامبر گردید. از این‌رو، شرایط مساعدی پدید آمد و شایعه مزبور قوت گیرد. ابهام و اهمیت موضوع، دو عامل اساسی رواج و انتشار شایعه گردید. (۱۶)

بنابراین، برای تکمیل فرایند شایعه و انتشار آن در سطحی مطلوب، باید انگیزه‌های روانی به ایجاد و تعدیه مستمر آن کمک نماید. (۱۷)

انواع شایعه

تلاش‌های زیادی از سوی پژوهشگران برای تقسیم شایعات صورت گرفته، اما به دلیل آن‌که روابط اجتماعی به هم پیوسته و انگیزه‌های درونی جوامع متفاوت است، نمی‌توان تقسیمی فراگیر به دست داد که در همه‌جا نافذ و قابل انطباق باشد. بدین‌روی، زاویه نگرش به شایعات و تقسیم آن‌ها، گاه از حیث موضوعی است که شایعات درباره آن پرداخته می‌شود و گاه به انگیزه‌هایی است که در ورای آن وجود دارد و گاهی نیز به عامل زمان و یا آثار و نتایج اجتماعی که در مردم به جای می‌گذارد، بیسارو (Byssaw) با توجه به عامل زمان، سعی کرده است شایعات را در سه دسته عمده تقسیم‌بندی کند: (۱۸)

الف. شایعات خزننده: شایعاتی هستند که به آرامی منتشر می‌شوند و مردم آن را به طور پنهانی به یکدیگر منتقل می‌کنند و مطالبی که در جامعه علیه مسؤولین آن، برای مشوه ساختن چهره نظام پخش می‌گردند، از این‌گونه شایعات هستند.

ب. شایعات خند و سرریح (آتشین): شایعاتی هستند که چون آتش به خون می‌زند. این نوع شایعات در زمانی کوتاه گروه وسیعی را تحت پوشش می‌گیرند. آنچه درباره حوادث و فجایع و پیروزی‌ها و شکست‌های بزرگ در زمان جنگ منتشر می‌شوند، از این‌گونه شایعات است.

ج. شایعات غوطه‌ور (غواص): این‌گونه شایعات هرگاه شرایط را مساعد بیابند، قوت می‌گیرند. در غیر این‌صورت، مستتر می‌گردند تا بار دیگر موقعیت فراهم شود. اخبار و مطالبی که در جنگ‌ها درباره

آلوده‌سازی آب‌ها، وحشی‌گری دشمن در برخورد با زنان و کودکان پخش می‌شود، از این نوع شایعات هستند.

علاوه بر این، تقسیم‌های دیگری نیز برای شایعات وجود دارد: ۱. شایعات توهم‌انگیز؛ ۲. شایعات رؤیایی؛ ۳. شایعات وحشت؛ ۴. شایعات نجوایی؛ ۵. شایعات معین؛ ۶. شایعات غیر معین.

در سیره نبوی، شایعاتی از هر دسته را می‌توان یافت. نمونه‌ای از شایعات خزننده را در «حدیث افک» مشاهده می‌کنیم. این شایعه برای جریحه‌دار ساختن نزاهت و طهارت اهل‌بیت علیهم‌السلام پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و به دست عوامل مرموز روانی (حزب نفاق) ساخته و پرداخته گردید و به تدریج، موجی از هیجان و اضطراب را در جامعه اسلامی پدید آورد. این جریان در بازگشت از جنگ «بنی مصطلق» (مریسیع) در ماه شعبان سال ششم هجری روی داد آن وضعیت پر بیم و اضطراب با نزول آیات الهی به سر آمد و قرآن با قاطعیت کم نظیری با منافقان برخورد کرد. (۱۹)

«کسانی که آن دروغ بزرگ را ساخته‌اند، گروهی هم‌فکر و مرتبط از شمایند. مینداید که شما را در آن شری بود. نه، خیر شما در آن بود. هر مردی از آن‌ها بدان اندازه از گناه که مرتکب شده است، به کیفر می‌رسد و از میان آن‌ها، آن‌که بیش‌ترین بهتان را بر عهده دارد، به عذابی بزرگ گرفتار شود. چرا هنگامی که آن بهتان را شنیدید، مردان و زنان مؤمن به خود گمان نیک نبردند و نگفتند که این تهمت آشکار است؟ چرا چهار شاهد بر ادعای خود نیاوردند؟ پس اگر شاهدانی نیاورده‌اند نزد خدا در زمره دروغ‌گویانند. اگر فضل و رحمت خدا در دنیا و آخرت ارزانی‌تان نمی‌بود، به سزای آن سخنان که می‌گفتید، شما را عذابی بزرگ می‌رسید. آن‌گاه که آن سخن را از دهان یکدیگر می‌گرفتید و چیزی بر زبان می‌راندید که درباره آن هیچ نمی‌دانستید، می‌پنداشتید که کاری خود و آسان است و حال آن‌که نزد خدا کاری بزرگ بود» (نور: ۱۵-۱۱)

از جمله شایعات تند و شدید که در

زمانی کوتاه، گروه وسیعی را زیر پوشش گرفت و انفعال و اضطراب فوری ایجاد کرد، شایعه قتل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در نبرد احد بود. در این نبرد، ابن‌قمیثه لیشی به مصعب بن عمیر پرچمدار سپاه اسلام، حمله آورد و پس از زد و خوردی شدید، او را به شهادت رساند و به گمان این‌که پیامبر را کشته است، فریاد برآورد: «پیامبر را کشته‌ام!» (۲۰)

این خبر دروغ به سرعت میان دو طرف درگیر انتشار یافت و قریش یک‌صدا فریاد می‌زدند: «محمد به قتل رسیده است!» در نتیجه، دشمن جرأت یافت و لشکر قریش موج آسا به حرکت درآمد. از سوی دیگر، روحیه مجاهدان مسلمان نیز به شدت تضعیف گردید. حزب نفاق، که در هر صحنه منتظر فرصت جهت تخریب و تضعیف است، به انتشار این خبر دامن زده، گفتند: اگر او پیامبر بود، کشته نمی‌شد. به آیین نخست خود (جاهلیت) بازگردید! تا آن‌جا که برخی از مسلمانان به یکدیگر گفتند: کاش در این‌جا کسی بود که ما او را نزد عبدالله بن ابی‌می‌فرستادیم تا او از ابوسفیان برایمان امان بگیرد. انس بن نضر چون این سخن را شنید، با ناراحتی گفت: اگر محمد کشته شده است، خدای محمد که کشته نشده، برخیزد و در همان راهی که محمد کشته شد، شما هم جنگ کنید! سپاس سر به سوی آسمان بلند کرد و گفت: بار خدایا، من از این سخن ناهنجار اینان به درگاه تو پوش می‌طلبم و از آن بیزارم. آن‌گاه به میدان آمد و مردانه جنگید تا کشته شد. (۲۱)

از سوی دیگر، این شایعه چنان در گروهی از صحابه همچون عثمان و عمر مؤثر واقع شد که فرار را بر قرار ترجیح داد، بی‌درنگ رو به هزیمت نهادند و تا سه روز معلوم نشد که به کجا فرار کرده‌اند انس چون بر عمر و طلحه بن عبیدالله گذشت، با ناراحتی پرسید: برای چه این‌جا نشستید؟ گفتند: رسول خدا کشته شد انس گفت: پس از مرگ پیامبر زندگی را چه سود... برخیزید و به میدان روید تا شما هم چون او به شهادت رسید. (۲۲) قرآن کریم ضمن آیاتی، پرده از این شایعه و آثار تخریبی آن برمی‌دارد. (۲۳)

نوع دیگر شایعات، شایعات غوطه‌ور

است که از شیوه کز و فز پیروی می‌کند و هر از چندی که موقعیت مناسب می‌باشد سربرمی‌آورند و به تحریک و تخریب می‌پردازند تا اراده‌ها را سست و دشمن را در دیده رزمندگان، بزرگ و شکست‌ناپذیر جلوه دهند. تاریخ غزوات پیامبر ﷺ آکنده از این‌گونه شایعات است که غالباً به وسیله گروه‌های سست عنصر حزب نفاق، به ویژه «مرجفون» در سطح صفوف رزم انتشار می‌یافت و تخم یأس و ترس را در دل‌ها می‌پراکند. در ذیل، نمونه‌هایی از این شایعات را ملاحظه می‌کنید:

جنگ بدر

- «منافقان و آنان که در دل بیماری دارند، گفتند: (این را دینشان فریفته است)» (۲۴) (انفال: ۴۹)

- آن‌ها که در دل مرضی دارند، می‌بینی که به دوستی با آنان (یهود و نصارا) شتاب می‌کنند و می‌گویند: می‌ترسیم که مبادا در گردش روزگار به ما آسیبی برسد» (مانده: ۵۲)

جنگ احد

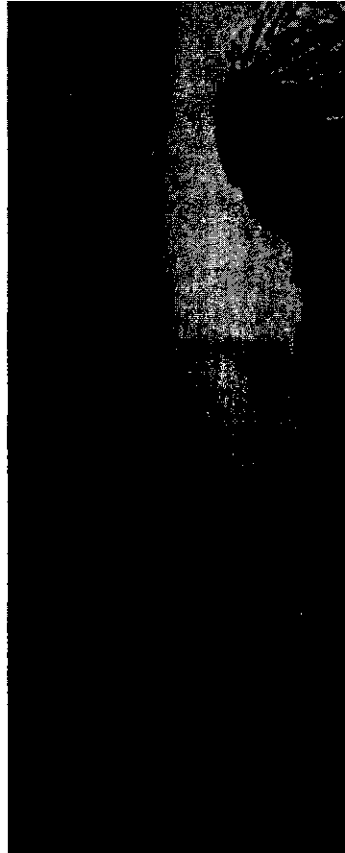
- پیش از جنگ احد، عباس، عموی پیامبر ﷺ، خبر تجهیز سپاه قریش را بی‌درنگ به مدینه فرستاد و پیک او در قیام، نامه را به پیامبر داد. هنوز پیامبر به مدینه نیامده بود که یهودیان و منافقان در مدینه شایع کردند که خبر خوشی برای پیامبر نرسیده است: (۲۵) «آنان که از جنگ باز ایستادند و درباره برادران خود گفتند که اگر سخن ما را شنیده بودند، کشته نمی‌شدند» (آل عمران: ۱۶۸)

- «می‌گفتند: اگر یقین داشتیم که جنگی در می‌گیرد، با شما می‌آمدیم» (آل عمران: ۱۶۷)

جنگ احزاب

- «خدا و پیامبرش «جز فریب به ما وعده‌ای نداده‌اند» (احزاب: ۱۲)

- «و گروهی از آنان گفتند: ای مردم یغرب، این‌جا جای ماندن نیست، بازگردید و گروهی از آن‌ها از پیامبر رخصت



دوم و سوم نیز برقی جست و سپس سنگ شکست. سلمان پرسید: یا رسول‌الله، این برقی‌ها چه بود؟ فرمود: تو هم دیدی؟ گفتم: آری فرمود:

جرقه اول، کلید فتح یمن بود. جرقه دوم، کلید فتح شام و مغرب زمین، جرقه سوم، کلید فتح مشرق و ایران زمین بود که خدا به من عنایت نمود» (۲۶) ای سلمان این‌ها نشانه فتوحاتی است که پس از من، خداوند برای شما خواهد گشود. شام فتح خواهد شد... و هیچ کس را یارای ستیز با شما نخواهد بود. یمن نیز برای شما فتح خواهد شد و خاور هم برای شما گشوده خواهد گشت و خسروپرویز پس از فتح کشورش کشته خواهد شد. سلمان گوید: همه این‌ها را دیدم. (۲۷)

پیامبر این سخنان را هنگامی فرمود که می‌دید چه ترس و بی‌می‌مسلمانان را فرا گرفته است.

جنگ تبوک

- «و اگر به تو مصیبتی رسد، می‌گویند: ما چاره کار خویش پیش از این اندیشیده‌ایم.» (توبه: ۵۰)

- «و بعضی از ایشان پیامبر را می‌آزارند و می‌گویند: او به سخن هر کس گوش می‌دهد (او گوش است)» (توبه: ۶۱)

- گفتند: «در هوای گرم به جنگ نروید.» (توبه: ۸۱)

- عبدالله بن ابی، که به همراه گروهی از منافقان از حرکت خودداری کرد، گفت: محمد می‌خواهد با این سختی و در هوای گرم و سرزمین دور یا رومیان نبرد کند. آن هم با سپاهی که تاکنون کسی مانندش را ندیده است. گویی محمد جنگ با رومیان را ساده پنداشته است. به خدا، گویا می‌بینم که فردا اصحاب محمد همگی به بند اسارت درآیند. (۲۸)

- منافقان نیز به پیروی از سرکرده خویش، همین شیوه را در پیش گرفتند و گفتند: می‌پندارند جنگ با رومیان مثل جنگ با دیگران است! به خدا قسم، فردا شما را به ریسمان، بسته خواهیم دید. ودیعه بس ثابت هم گفت: نمی‌دانم چرا

می‌طلبیدند و می‌گفتند: خانه‌های ما را حفاظی نیست. خانه‌هایشان بی‌حفاظ نبود، می‌خواستند بگریزند. (احزاب: ۱۳)

- سلمان فارسی می‌گوید: در جنگ احزاب، آن‌گاه که مشغول حفر خندق بودم ناگهان با سنگی روبه‌رو شدم که کار را بر من دشوار کرد؛ کلنگ در آن کارگر نبود. رسول خدا که در آن نزدیکی بود، پیش آمد و کلنگ را گرفت و به سنگ زد و برقی زد. از ضربه

در بررسی شایعه،

باید مواردی همچون علت

انتشار شایعه،

انگیزه‌هایی که تحلیل

شایعه توسط شایعات

دیگر توجیه می‌شود،

قوانین

حاکم بر ساخت شایعه و

نحوه انتشار آن مورد

توجه قرار گیرد.

قرآن‌خوانان ما از همه شکم باره‌تر و به هنگام جنگ ترسو ترند! (۲۹)

جنگ حنین

در آغاز جنگ حنین که مسلمانان غافلگیر شدند، به هزیمت رفتند. ظاهراً کار به زیان آن‌ها می‌نمود. منافقان کفر و کینه درونی را آشکار ساختند. ابوسفیان گفت: اینان تا کوانه دریا عقب خواهند نشست. کلدۀ بن حنیبل به او گفت: دهانت را ببند، سروری قریش برای من از ریاست بر «هوازن» بهتر است. سهیل بن عمرو گفت: محمد و یارانش ایسن شکست را چگونه جبران خواهند کرد؟! (۳۰)

برخی نیز شایعات را براساس موضوع آن‌ها طبقه‌بندی کرده‌اند. بر این اساس، هرگروه از شایعات راه که حول موضوع خاصی دور می‌زند، در دسته‌ای جدا قرار می‌دهند. موضوعات دامنه گسترده‌ای دارند و از مسائل جنسی و بیماری گرفته تا سیاست، روابط خارجی و اقلیت‌ها را شامل می‌شود. این شیوه می‌تواند فایده زیادی داشته باشد؛ زیرا تقریباً همه شایعات را شامل می‌شود. (۳۱)

در یک تقسیم‌بندی دیگر، انگیزه‌های روانی محور قرار گرفته‌اند. شایعاتی که بر این اساس دسته‌بندی می‌شوند، بسته به انگیزه‌ها باهم تفاوت دارند که می‌توان آن‌ها را در سه شاخه قرار داد:

۱. شایعات رؤیایی که آکنده از خیالات و آرزوها هستند؛
۲. شایعات خیالی و موهوم که در پی ایجاد ترس و وحشت و اضطراب هستند؛
۳. شایعات تفرقه‌انگیز، که ایجاد بدبینی متقابل در نیروها می‌کنند. (۳۲)

اهداف شایعات

- اهداف شایعات در جنگ را می‌توان به طور کلی در چند مورد خلاصه کرد:
- الف. گسیختگی و شکست روانی؛
 - ب. استتار اطلاعات؛
 - ج. تحقیر منابع خبری؛
 - د. دست‌یابی به حقایق. (۳۳)
- بنابراین، انتشار شایعات در جنگ با

توجه به چنین کارکردهایی، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در جنگ ایفا نماید. در سیر غزوات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، گاه شاهد به کارگیری ماهرانه شایعات به عنوان ابزار جنگ روانی هستیم و این می‌رساند که آن حضرت در چهارچوب خط مشی پایدار «دعوت - هدایت» و در پرتو حفظ موجودیت نظام و امنیت ملی، اساساً جنگ و ابزار کارآمد آن را استثنایی از اصل نبرد و فریب دانسته‌اند؛ زیرا: «ان الحرب خدعة» (۳۴) بر این پایه، از عواملی که اتحاد احزاب مانند یهود بنی‌قریظه، مشرکان مکه، قبایل غطفان و فزاره را در جنگ خندق متلاشی ساخت و به موقعیت تهدید کننده و بحرانی خاتمه بخشید، انتشار شایعاتی بود که با مشورت و درایت پیامبر توسط نعیم ابن مسعود به اجرا درآمد. نعیم گوید: به پیامبر عرض کردم: ای رسول خدا، هر فرمانی که می‌خواهی بده تا من بدان اقدام کنم؛ زیرا نه قوم من و نه هیچ کس دیگری از اسلام من اطلاع ندارند. پیامبر فرمودند: «تا آنجا که بتوانی میان نیروهای دشمن اختلاف و پراکندگی بینداز». نعیم، که سابقه دوستی با بنی‌قریظه داشت، به نزد آن‌ها آمد و مورد استقبال قرار گرفت. به دنبال مأموریت موفقیت‌آمیز نعیم بن مسعود از هم گسیختن صفوف دشمن، مدد الهی نیز فرود آمد. هوا به یکباره دگرگون شد. باد و طوفانی شدید همراه با سرمای سخت وزیدن گرفت، دیگ‌های غذا را برانداخت، خیمه‌ها را از جا کند و آتشی برجا نگذارد. احزاب به ستوه آمدند و نمی‌توانستند تشخیص دهند که به کدام طرف باید بروند. بدین‌رو، پیش‌ت کردن و شتابان پا به گریز نهادند. (۳۵)

پخش شایعات گاه چنان مؤثر می‌افتد که به فروپاشی کامل نیروهای مقابل می‌انجامد، تا جایی که حتی حاضر می‌شوند به عنوان ستون پنجم دشمن عمل کرده، نظام ارتش را مختل سازند. این اقدامات می‌تواند سیر تحول جنگ را به کلی دگرگون سازد. معاویه پس از رویارویی نظامی با سپاه امام حسن علیه السلام این سیاست را اتخاذ کرد. او با سران سپاه امام علی مکاتبه کرد و آنان را

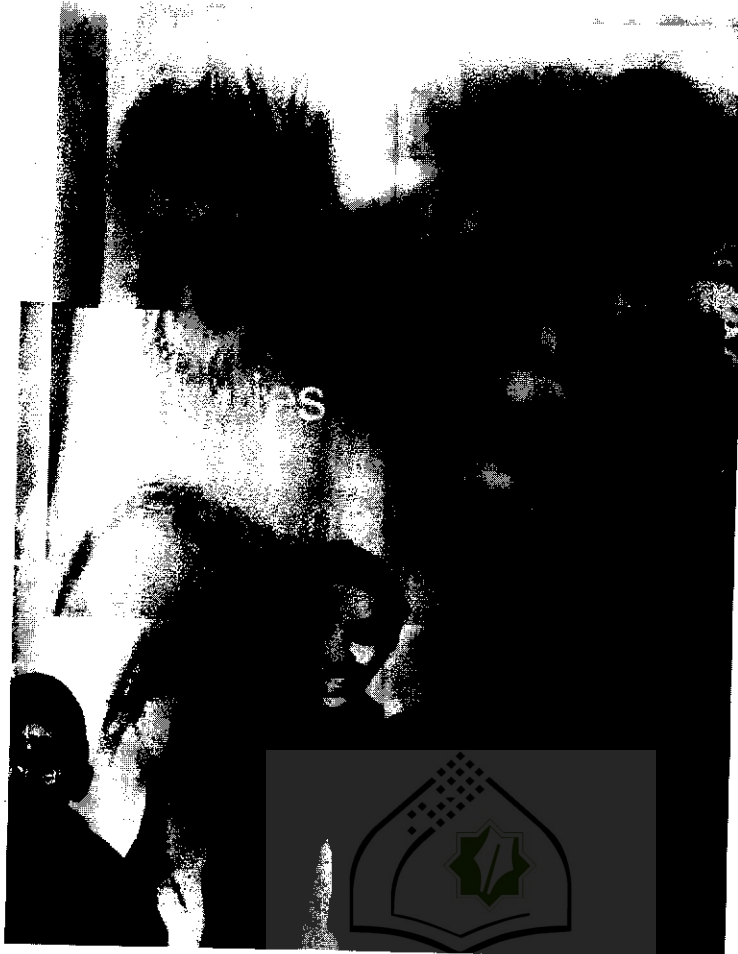
تطمیع نمود. به آنان نوشت: حسن بن علی با من صلح می‌کند. او به عوامل جنگ‌روانی نیز دستور داد تا این شایعه را در همه جا پخش کنند. چون نیروهای امام علیه السلام به فرمان‌دهی عبیدالله بن عباس در منطقه مسکن و در برابر سپاه معاویه قرار گرفتند، معاویه شبانه به عبیدالله پیام فرستاد و گفت: حسن با من درباره صلح مراسم کرده و اختیار به من سپرده است. بدین‌گونه، او را تطمیع کرد و به جانب خود متمایل ساخت. پس از عبیدالله، قیس بن سعد زمام فرمان‌دهی را به دست گرفت و آنان را به صبر و ثبات فرا خواند. در این هنگام، نسر بن ارسطه از سوی معاویه به سوی لشکر امام آمد و گفت: وای بر شما! این فرمانده شماست که دست بیعت به ما داده و امام شما، حسن نیز با ما صلح کرده است. پس برای چه خود را به کشتن می‌دهید؟ سرانجام، چنان نیروهای امام حسن علیه السلام تضعیف شدند که بعضی از سران سپاه فرار کرده، به معاویه پیوستند و حتی گروهی اعلام آمادگی کردند امام مجتبی علیه السلام را در بند تحویل معاویه دهند و در چنین موقعیت بحرانی، امام مجتبی مجبور شدند از در صلح درآیند. (۳۶)

تأثیر شایعات

بدون تردید، شایعات با توجه به نوع آن‌ها و انگیزه‌هایی که می‌آفرینند، تأثیر فراوانی در روحیه شهروندان و رزمندگان می‌گذارند. برای مثال، شایعه قریب‌الوقوع بودن صلح - چنان‌که ذکر شد - روح سستی و عدم فداکاری را میان نیروهای رزمی می‌پراکند و یا شایعاتی که با انتشار خبر شکست، رعب و هراس ایجاد می‌کنند، تحریک کننده بوده، روحیه شکست‌پذیری را دامن می‌زنند و به لحاظ تأثیر فوق‌العاده شایعات درآشفته ساختن افکار عمومی و فروپاشی نیروهای رزمی، قرآن کریم هرچا سخن از شایعه به میان می‌آید، با قاطعیت تمام با آن برخورد کرده و کیفری سخت برای آن مقرر می‌دارد. پیش از این به نمونه‌هایی اشاره شد. (۳۷)

به طور کلی، تأثیرات شایعه در جامعه بدین شرح است:

۱. گسترش ناامنی، ترس و اضطراب؛



۲. ایجاد تفرقه و رویارویی بین اقشار جامعه؛ ۳. به خطر افتادن امنیت عمومی جامعه؛ ۴. انحراف افکار عمومی؛ ۵. مصروف شدن نیروی مردم برای انتقال و گسترش شایعه، هرچند ناخودآگاه باشد؛ ۶. ایجاد بدبینی و سلب اعتماد مردم از مسئولین؛ ۷. حاکم شدن خستگی روحی، یأس و بی تفاوتی در جامعه؛ ۸. نفوذ و حضور تدریجی دشمنان در جامعه به شکلی غیرمحسوس؛ ۹. کاهش اعتماد مردم به وسایل ارتباط جمعی داخلی و نهادهای رسمی؛ ۱۰. برهم زدن تعادل حرکت به سمت مطلوب در زمینه‌های گوناگون.

عوامل مؤثر در ترویج شایعه

عواملی که در ترویج شایعه مؤثرند، به اختصار عبارتند از:

۱. میزان اهمیت موضوع در جامعه؛
۲. موقعیت و اوضاع و احوال مناسب؛
۳. ابهام در خبر یا موضوع؛
۴. اطلاعات و اخبار متناقض؛
۵. شدت هیجانات و تشنج‌های

عاطفی؛

۶. خلأ اطلاعات.

بدون شک این سلاح خطرناک، در جایی کارگر خواهد افتاد که اوضاع نفسانی ایمان، تسلیم و تقوا رو به ضعف گذارد. به این لحاظ، ترفندهای عوامل روانی حزب نفاق در میان مسلمانان مدینه که در معرض آموزش‌های تعالی آفرین و مستقیم پیامبر قرار داشتند و ایمان، تسلیم و تقوا را بر رفتارهای خویش حاکمیت بخشیده بودند، نه تنها تأثیر نداشت، بلکه نتیجه معکوس به دنبال داشت: «کسانی که منافقان و عوامل روانی دشمن (در جنگ بدر صغرا) به آنان گفتند: مشرکان برای جنگ با شما گرد آمده‌اند؛ از آن‌ها بترسید اما این سخنان بر ایمان‌شان افزود و گفتند: خدا ما را بس است و چه نیکو یآوری است. (آل عمران: ۱۷۳)

در مقابل، شایعه‌سازی و تبلیغات عوامل روانی حزب نفاق بر افرادی که در آن پایه از ایمان و آگاهی نبودند، کاملاً مؤثر بوده از این رو، قبایل یاده‌نشین اطراف مدینه، مانند غفار، اشجع و اسلم، که تحت

تأثیر تبلیغات منافقان قرار گرفته بودند، دشواری راه و سختی سفر برایشان قابل تحمل نبود و گفتار پیامبر در آنان، تحرکی ایجاد نمی‌کرد. از این رو، به حضور پیامبر آمدند و از شرکت در جهاد پوزش طلبیدند: «گروهی از یاده‌نشینان پوزش طلب از شرکت در جهاد نزد تو آمدند تا به آنان اذن داده شود.» (توبه: ۹۰)

در بررسی شایعه، باید موارد همچون علت انتشار شایعه، انگیزه‌هایی که تحلیل شایعه توسط شایعات دیگر توجیه می‌شود، قوانین حاکم بر ساخت شایعه و نحوه انتشار آن مورد توجه قرار گیرد. بی تردید، پرداختن به هرگونه تجزیه و تحلیل درباره شایعه، مستلزم آگاهی از این مطالب و مبادی است تا با تطبیق آن‌ها بر پدیده شایعه، به یک ارزیابی درست دست یابیم.

قرآن کریم تجزیه و تحلیل اخبار و گزارش‌های واصله از سوی منابع غیر متعهد را یک اصل لازم‌الاجرا دانسته، پیش از

حصول اطمینان از صحت و سقم گزارش، از دست زدن به هرگونه اقدام، موضع‌گیری و تلاش نهی نموده است. از این اصل در قرآن کریم با واژه «تبیّن» و یک روایت «تثبت» تعبیر شده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر فاسقی برایتان خبری آورد، تحقیق کنید تا مبادا از روی نادانی به مردمی آسیب برسانید؛ آن‌گاه از کاری که کرده‌اید، پشیمان شوید.» (حجرات: ۶) «فاسق» کسی را گویند که طاعت و تعهدی نسبت به حق ندارد و «نبا» خبر مهم و معتنا را گویند و «تبیّن» نیز که با «ابانه» و «استبانه» مترادف است، به معنای روشن ساختن و ایضاح است. از این رو، امر به تبیین در واقع، نهی از ترتیب اثر دادن به گزارش‌های تأیید نشده و اقدام بر آن اساس است. (۳۸)

مفسران درباره این آیه گفته‌اند که این آیه درباره ولید بن عقبه بن ابی معیط است که از سوی پیامبر مأمور جمع‌آوری

۱۰۰

مالیات (زکات) از قبیله «بنی مصطلق» گردید. افراد قبیله وقتی از ورود نماینده پیامبر مطلع شدند، با خوشحالی به استقبال او شتافتند، ولی از آن جا که میان آن‌ها و ولید در جاهلیت، خصومت شدیدی بود و یا بر اثر تصور غلط، که آن‌ها قصد کشتن او را دارند، از انجام مأموریت خودداری کرده به مدینه بازگشت و به پیامبر گزارش داد که آن‌ها از آیین اسلام برگشته‌اند و از پرداخت زکات خودداری کردند و قصد داشتند خون او را بریزند. پیامبر سخت خشمگین شدند و مسلمانان در آستانه اتخاذ تصمیمی جدی بودند که آیه مزبور نازل شد. (۳۹)

بنابراین، برای جلوگیری از زیان‌های جبران‌ناپذیر و خطرهای بزرگ، اسلام دستور به تحقیق و تبیین داده است و تنها گزارش کسانی را مورد اعتماد دانسته که حالت خداترسی درونی آنان را به عدالت یا توقع سوق داده باشد. از همین رو، برخی موضوعات، شهادت چهار و یا دو عامل - آن هم با شروطی خاص - برای اثبات صحت گزارش، لازم دانسته است تا از بروز هرگونه خطر احتمالی جلوگیری نماید.

مقابله با شایعات

شایعات تأثیر فراوانی در روحیه ملی هر جامعه‌ای دارد و در هنگام جنگ به دلیل زیان‌های بزرگی که بر جبهه داخلی وارد می‌آورند، اهمیت بیش تری می‌یابند. آشکار ساختن حقایق و گزارش‌های صحیح و هماهنگی دستگاه‌های دولتی، مادام که با آگاهی کافی از خطر و اهمیت شایعات و انگیزه‌های پشت پرده همراه نباشد و در محو شایعات مؤثر نخواهد بود. (۴۰)

موارد ذیل برای مقابله با شایعات کارساز است:

۱. ایمان و اعتماد به بیانیته‌ها و گزارش‌های رسمی؛
۲. ارائه حساب شده حقایق و واقعیت‌ها در سطح وسیع برای پرکردن خلأ خیری، مشروط بر حذف جزئیاتی که ممکن است دشمن از آن‌ها بهره‌برداری کند؛
۳. اطمینان و اعتماد به فرماندهان و

رهبران و مجموعه نظام حکومتی؛

۴. ایجاد فرصت‌های کار، اشتغال و تولید؛ زیرا خستگی، کسالت و بیکاری، زمینه مناسبی برای تکوین، ترویج و پذیرش شایعات است.

۵. کشف تبلیغات دشمن و مبارزه با عوامل شایعه‌پراکن داخلی. (۴۱)

کیفر

در اسلام دو کیفر سخت برای این‌گونه افراد مقرر گشته است: (۴۲)

۱. تسبیح: «... تو را بر آن‌ها مسلط می‌گردانیم تا پس از آن جز اندکی با تو در شهر همسایه نباشند.» (احزاب: ۶۰)

۲. قتل: «اینان لعنت‌شدگانند؛ هر جا یافته شوند باید دستگیر گردند و به سختی کشته شوند.» (احزاب: ۶۱)

پیش‌گیری

در تعالیم و آموزه‌های دینی، راه‌های گوناگونی برای پیش‌گیری مقابله و محو شایعات ارائه شده است که در ذیل، به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف. تشکیک: پیش از اقدام به تجزیه و تحلیل شایعه، باید در حدی منطقی نسبت به آن، موضع تردید و شک در پیش گرفت، آن را جزمی و قطعی تلقی نکرد و به یک‌باره به قبول و نشر آن اقدام نکرد. قرآن کریم در پی انتشار «حدیث افک» می‌فرماید: «چرا هنگامی که آن بهتان را شنیدید، مردان و زنان مؤمن به خود گمان نیک نبردید و نگفتید که این تهمتی آشکار است؟» (نور: ۱۲)

بنابراین تشکیک به عنوان یک رفتار معقول، اولین گام در برخورد با هر شایعه و زمینه‌ساز ورود به مدخل تحلیل و تبیین است.

ب. سکوت: ابتدایی‌ترین شکل انتقال شایعه، دهان به دهان گشتن آن و سپس انتشار در سطح وسیع است. (۴۳) از این رو، برای جلوگیری از فراگیر شدن شایعه در مقیاسی دامنه‌دار، باید آن را در نقطه آغاز سرکوب و زنجیره انتقال آن را قطع کرد. قرآن کریم در ادامه بیان «حدیث افک» این راه را پیش‌رو می‌گذارد. «چرا آن‌گاه که این

سخن را شنیدید، نگفتید؛ ما را نشاید که آن را باز گوئیم» (نور: ۱۶) این آیه لحن توبیخ‌آمیز دارد و به آن دلیل، مسلمانان را به اظهار این گفته (این تهمتی بزرگ است) فرا می‌خواند که از آگاهی یافتن از حقیقت امر، معذور و ناتوان نبودند. (۴۴)

از این‌جا، می‌توان نتیجه گرفت عامل مهمی که موجب بروز و رفتار «تشکیک» و «سکوت» می‌شود، حاکمیت حالت نفسانی «تقوا» بر روند پاسخ‌دهی آدمی است. هسته اولیه تقوا، عبارت از پروا گرفتن از نفس کار زشت و پلیدی است. آن‌گاه پروا گرفتن از آثار و عواقب سوء کار زشت به میان می‌آید. سرانجام، پاییدن خویشتن از خشم خدا، عذاب آخرت و آثار و عواقب شوم کار زشت پلیدی. (۴۵)

انعطاف

یکی از اهداف دشمن از پخش شایعات تهاجمی، ایجاد دامی برای دست‌یابی به اخبار و اطلاعات خطیر و تعیین‌کننده و استفاده از آن‌ها در وارد ساختن ضربه‌های مؤثر و کاری است. بدین منظور، از شایعاتی که می‌تواند سازمان نیروهای رزمی را دست‌خوش هرج و مرج و آشفتگی سازد، انتشار و اذاعه خبر انهدام مرکز فرمان‌دهی و هدایت عملیات است که از یک سو، به منظور فروپاشی روحیه رزمی و از سوی دیگر، برای دست یافتن به آخرین اطلاعات واقعی و از زبان طرف درگیر صورت می‌گیرد. این شیوه در جنگ احد نقش داشت و دشمن شایع کرد که پیامبر ﷺ کشته شد. این شایعه به سرعت بین صفوف مسلمانان رخنه کرد و موقعیت را به سود دشمن تغییر داد. آنان از هر سو، رو به گریز نهادند. مردم از کنار پیامبر می‌گذشتند و به آن حضرت توجهی نمی‌کردند. پیامبر آنان را از پشت سر فرا می‌خواند، آن‌ها بدون اعتنا تا «مهراست» گریختند. چون پیامبر در دامنه کوه با ایشان رسید، گرد او جمع شدند و یاری‌اش کردند. کعب بن مالک گوید: «من که در دامنه کوه بودم، اولین کسی بودم که پیامبر را، با آن‌که کلاه‌خود بر سر داشت، شناختم و فریاد کشیدم: این رسول خداست که زنده و

سریاست، ولی پیامبر دست خود را روی دهان خویش گذاشتند و به من اشاره نمودند که ساکت باشم. سپس زره جنگی مرا که زرد بود، خواستند آن را پوشیدند و جامه جنگی خود را بیرون آوردند و من پوشیدم. (۴۶)

بنابراین، پیامبر بر آن بود که دشمن را از نیل به هدف خویش - یعنی اطلاع از زنده بودن پیامبر - ناکام گذارد. آیه‌ای که در بحبوحه جنگ احد بر رسول گرامی خدا نازل شد، همین آهنگ را دارد: «جز این نیست که محمد پیامبری است که پیش از او نیز پیامبرانی دیگر بوده‌اند. آیا اگر او میبرد یا کشته شود، شما به آیین نخست خود باز می‌گردید؟ هر که بازگردد، هیچ زبانی به خدا نخواهد رسانید. خدا سیاسگزاران را پاداش خواهد داد.» (آل عمران: ۱۴۴)

ملاحظه می‌شود که قرآن کریم با ظرافت تمام، واقعیت خبر (زنده بودن پیامبر) را به کلی پنهان داشته، هیچ‌گونه اطلاعاتی در این زمینه نمی‌دهد، بلکه با انعطاف به مطلب دیگر و گشودن بحث در آن وادی، نهایت درایت را ایجاد زاویه انحرافی در برابر شایعه می‌داند و می‌فرماید: محمد تنها فرستاده‌ای از سوی خدا برای ابلاغ پیام اوست؛ اگر به مرگ یا شهادت درگذرد، باز شما به آیین جاهلیت رجوع می‌کنید؟ شما را نشاید که ایمانتان را به حیات او گره زنید؛ چه آن‌که زمام امور به دست خدا و آیین او جاودانه است.

حتی آن‌گاه که مشرکان صحنه جنگ را ترک گفته، آهنگ مکه داشتند، هنوز هم حقیقت برای سپاه قریش در پرده ابهام بود. ابوسفیان پس از اظهار خوشحالی از این پیروزی و وعده جنگ در سال بعد، پرسید، ای عمر، تو را به دینت سوگند می‌دهم که راست بگویی، آیا محمد را کشته‌ایم؟ وی پاسخ داد: هرگز، او هم اکنون گفتار تو را می‌شنود. ابوسفیان گفت: تو پیش من راست‌گوتر از این قمیته‌ای. این قمیته به او گفته بود که پیامبر را کشته است. (۴۷)

بدین‌سان، پیامبر و قرآن کریم با کیاست کامل مانع از اطلاع دشمن بر اسرار نظامی مسلمانان شدند.

در پایان، اشاره به سخن ویرجیل

(Virgil) شاعر رومی سده اول پیش از میلاد در مورد شایعه و سرعت انتقال آن به‌جاست. وی می‌گوید: «ای شایعه، هیچ شیطان دیگری از تو سریع‌تر و تندتر نیست، تو با هر حرکتی که به جلو می‌روی و پیشرفت می‌کنی، قدرت ویران‌کننده و تخریبی بیش‌تری به دست می‌آوری.» (۴۸)

..... پی‌نوشت‌ها

۱- جان ام کالینز، استراتژی بزرگ، کوروش بابندی، تهران، دفتر مطالعات وزارت خارجه، ۱۳۷۰، ص ۴۷۸

۲- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۶۱۷، روایت ۴۸۳، باب ۱۲

۳- قاموس المنجد، ماده خدع

۴- محمدحسن نجفی، جواهراللام، چاپ ۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ص ۸۰

۵- مصطفی طلاس، پیامبر و آئین نبرد، ترجمه حسن اکبری مرزناک، مؤسسه انتشارات بعثت، بی‌تا، ص ۵۱۶ و ۵۱۵

۶- فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، به تصحیح رسولی محلاتی و یزدی طباطبایی، چاپ دوم، بیروت، دارالمعرفه، ۱۹۸۸، ج ۴، ص ۸۵۲-۸۵۳ و نیز طباطبایی، ج ۹، ص ۱۱۴۹-۱۱۷۵

7. David L. sll (ED), *International Encyclopedia Of the social Sciences (U.S.A, 1972), Vol. 13, pp. 576-577*

8. *The Psychology of Rumor* (Alport and Postman, New York, 1948), IX, X, XI.

۹- مختار التهامی، الرؤی العام و الحرب النفسیه، مصر، دارالمعارف، ۱۹۶۷، ج ۱، ص ۱۰۲-۱۰۶

۱۰- ر.ک. به: راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، مصر، مطبعه المیمینه، ۱۳۲۴ هـ

۱۱- ر.ک. به: جارالله زمخشری، اساس البلاغه، تحقیق عبدالرحیم محمود، بی‌تا

۱۲- ابن فارس، معجم مقانیس اللغه، تحقیق عبدالسلام محمدهارون، دارالکتب العلمیه

۱۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳

۱۴- طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۹۲

۱۵- واقدی، ج ۱، ص ۱۱۴-۱۱۵

۱۶- واقدی، پیشین، ج ۲، ص ۶۰۰-۶۰۳

۱۷- صلاح نصر، الحرب النفسیه معركة الكلمة و المعتقد، قاهره، دارالقاهره، ۱۹۶۷، ج ۱، ص ۳۱۹-۳۲۰

۱۸- جهت اطلاع بیش‌تر ر.ک. به:

S.A. Byssow, Geruchts, koisher, (vierteljahrchrift fur soziedeogie, 1928)

۱۹- واقدی، پیشین، ج ۲، ص ۴۲۶-۴۳۶

۲۰- واقدی، پیشین، ج ۱، ص ۲۳۲

۲۱- طبرسی، پیشین، ج ۲، ص ۸۴۹

۲۲- ابن هشام، سیره، ج ۱، ص ۸۸

۲۳- ر.ک. به: آل عمران: ۱۵۳-۱۵۵

۲۴- ر.ک. به: جلال‌الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۳، ص ۹۱

۲۵- واقدی، پیشین، ج ۱، ص ۲۰۴

۲۶- ابن هشام، پیشین، ج ۳، ص ۲۳۰

۲۷- الی ۳۰- واقدی، پیشین، ج ۲، ص ۴۵۰ / ج ۳، ص ۹۵۵-۹۶۶ / ص ۱۰۰۳-۱۰۰۴ / ج ۱، ص ۹۱۰-۹۱۱

۳۱- ج. ا. اروینگ، روانشناسان کانادایی در سال ۱۹۴۳ شایعات مربوط به جنگ را به شش مورد تفکیک کرده است.

J. A: Iruing, the psychological analysis of wartime rumor patterhs in canada, 1943, 3 / 40 - 44

۳۲- صلاح نصر، پیشین، ج ۱، ص ۳۲۵-۳۲۹

۳۳- همان، ص ۳۳۵-۳۳۷

۳۴- محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۳۳، ص ۳۳۱، روایت ۵۶، باب ۲۲

۳۵- جهت اطلاع بیش‌تر: واقدی، پیشین، ج ۲، ص ۴۸۰-۴۸۷

۳۶- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، بیروت، دارالکتب العربیه، ۱۹۶۷، ج ۱۶، ص ۴۲

۳۷- ر.ک. به: احزاب: ۶۰-۶۱ و نور: ۱۱-۲۰

۳۸- محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ ق، ج ۸، ص ۳۱۱

۳۹- طبرسی، پیشین، ج ۹، ص ۱۹۸

۴۰- صلاح نصر، پیشین، ج ۹، ص ۲۹۹-۴۰۲

۴۱- صلاح نصر، ج ۱، ص ۴۰۷-۴۰۸

۴۲- محمدبن ادریس حصاص، احکام القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۰ ق، ج ۵، ص ۲۴۵

۴۳- ر.ک. به: نور: ۱۵

۴۴- فخر رازی، التفسیر الکبیر، چاپ سوم، بیروت دارالاحیاء التراث العربیه، بی‌تا، ج ۲۳، ص ۱۸۱

۴۵- جلال‌الدین فارسی، فلسفه انقلاب اسلامی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸، ص ۴۱

۴۶- همان، ص ۴۲

۴۷- واقدی، پیشین، ج ۱، ص ۲۹۳-۲۹۴

48. Koehig Fredrick, "Rumer in the Market Place" Aubm house (Publishing company , 1985), p. 183